

روز سه شنبه ۲۶ بهمن ماه به همت جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف پس از گذشت چندین ماه از آخرین تریبون آزاد در دانشگاه، تریبون آزادی در مورد پیشرفت پس از انقلاب... صفحه ۳



روزنامه

در کانال تلگرام روزنامه به پرونده نمره دهید:
<https://t.me/sharifdaily>

با شماره پیامک ۱۰۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶ و ایمیل مستقیم سردبیر پذیرای مطالب، پیشنهادات و انتقادات شما هستیم.

(sharifdailymanager@gmail.com)



سرمقاله

سال پانزدهم • دوره جدید • شماره ۷۰۴ • شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۵

یاد بعضی نفرات

یاد بعضی نفرات

روشنم می دارد

نیما یوشیج



دکتر عباس ملکی

مهدی نصیری در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ سردبیر و مدیر مسئول روزنامه کیهان بود. بعدها مجله صبح را منتشر کرد. در تمام مدتی که آقای هاشمی رفسنجانی در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ رئیس جمهور بود، نصیری از روش کار آقای هاشمی و همچنین از تکنوکراسی، لیبرالیسم اقتصادی و روش کار کارگزاران انتقاد می کرد. او به سیاست خارجی هاشمی هم انتقاد داشت و معتقد بود ایران در مسئله مسلمانان جهان - همچون بوسنی یا فلسطین - سیاست درستی اتخاذ نکرده است. در آن سال ها، من در وزارت امور خارجه کار می کردم و بر این تصور بودم دیگر بهتر از این نمی توان کار سیاست خارجی را سامان داد.

اما من و مهدی با هم دوست بودیم. در عین حال که او مقالات تند علیه وزارت امور خارجه و بعضا علیه من می نوشت، در دنیای رفاقت، ما همدیگر را می دیدیم، چه در قم و خانه مهدی و چه در تهران. او بیشتر به دنبال آن بود که ثابت کند معارف اسلامی و به خصوص اهل بیت برای بشر کافی است و تاسی جستن به فلسفه و علوم دیگر برای اثبات حقانیت اسلام کار بیپوده ای است. من هم از میان راه های صدور انقلاب و انزوای برای ایران به دنبال جامعه ای توسعه یافته بودم که بتواند نماینده اندیشه اسلامی از نوع ایرانی آن برای سرمشق گیری دیگران باشد. دو نفر هم در این میان، محل ارجاج ما به این مباحث بودند: دکتر حسین نصر و استاد محمدرضا حکیمی. ما نظرات خود را به این دو عزیز منتقل می کردیم و آن ها راهنمایی می کردند. اما در مورد آقای هاشمی، همچنان اختلاف نظر داشتیم. بعد از خرداد ۱۳۷۶ و ریاست جمهوری آقای خاتمی، روزی مهدی گفت که آیا من می دانم آقای هاشمی در مورد انتقاداتش چه نظری دارد، گفتم که چرا از خود ایشان نمی پرسی.

این گونه شد که من وقت گرفتم و رفتیم دفتر آقای هاشمی در مجمع تشخیص مصلحت در کاخ مرمر. مهدی پرونده بزرگی آورده بود از اشکالات و تخلفات در بخش های مختلف دولت سازندگی. آقای هاشمی صمیمانه برخورد کرد. بالبخندی که همیشه بر لب داشت، همان طور که روی میل لم داده بود، به حرف های جدی و پر حرارت مهدی گوش داد. مهدی از تخلف در ساخت سدها سخن گفت. از اینکه بخشی از بتن سد ماکو کرمو بوده است و از اینکه در یکی از پروژه های فولاد، هزینه ها بیشتر از مقدار واقعی است. حدوداً ده مورد تخلفات را ذکر کرد. آقای هاشمی گوش داد و بعد، از مهدی و من تشکر کرد و به ترتیب به موضوعات طرح شده پاسخ داد. به طور کلی نظرش این بود که در پروژه هایی که اشکال وجود داشته یا هزینه بیشتر از مقدار مورد نیاز انجام شده است، دستور دهد تا مشکل رفع شود.

ادامه در صفحه ۳

مصاحبه با فرزند آخر مرحوم هاشمی

آیت الله پرمشغله از زبان پسر

صفحات ۵۴



عکس: علی سینا اسلامی

دانشگاه ها فاصله بسیاری با آرمان هایمان دارند

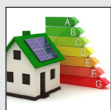
خودسانسوری، درد دانشجوی امروز

صفحه ۲



دکتر مهری یکی از چهره های خاطره آفرین دوران تحصیل من هستند. در تمام ایام... صفحه ۷

من تنها نبودم



اهمیت برچسب دهی انرژی به ساختمان و نقش آن در کارایی مصرف انرژی... صفحه ۶

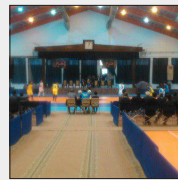
قفلی با کلید قانون گذاری



در روزنامه شنبه هفته پیش گزارشی از آسانسورهای دانشگاه ارائه شد که بر مبنای آن... صفحه ۳

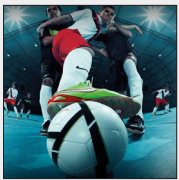
به سرعت در حال تعمیر

کفپوش چند صد میلیونی



هر کس در دانشگاه بخواهد گردهمایی یا نمایشگاه بزرگی برگزار کند، اولین مکانی که به ذهنش می‌رسد، سالن ورزش (توجه کنید ورزش) مرحوم استاد جباری است. رئیس اداره تربیت بدنی هم تا دستور رئیس دانشگاه مقاومت می‌کند؛ ولی در نهایت، رویداد مذکور باید فعلاً برگزار شود تا آبروی دانشگاه نرود. انگار که سالن ورزش می‌تواند آبروی شریف را حفظ کند. برگزاری همایش و مسابقات علمی در فضایی مناسب و مختص آن، آرزویی تکراری برای شریفی‌ها شده است. تذکر این موضوع نیز از تیزرهای تکراری روزنامه شده است. باید دید اصلاً جایی برای این کار پیش‌بینی شده است؟

قهرمانی شریف یا خواجه



یکشنبه، اول اسفند ماه سالن قهرمانی مرکز تربیت بدنی دانشگاه صنعتی شریف، میزبان مسابقه فوتسال از دومین دوره مسابقات برون دانشگاهی اعضای هیئت علمی است. این مسابقه که میان دو تیم اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف و اعضای هیئت علمی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی است، ساعت ۱۷ همین روز برگزار می‌شود. بدیهی است که حضور دانشجویان دانشگاه شریف برای تشویق استادانشان مایه دلگرمی و روحیه این تیم است. البته جهت حفظ شئون اسلامی احتمالاً حضور بانوان در ورزشگاه کماکان ممنوع خواهد بود.

شریف‌نیوز



روزنامه شماره ۷۰۴ • شنبه ۳۰ بهمن ۹۵

بخش خبری

دانشگاه‌ها فاصله بسیاری با آرمان‌هایمان دارند خودسانسوری، درد دانشجوی امروز



گزارش
سه‌شنبه هفته گذشته بسیج برنامه‌ای با عنوان «از آرمان‌های انقلاب ۵۷ تا کاستی‌های نظام ۹۵» برگزار کرد. مدعوین این برنامه دو استاد سرشناس داخل و خارج دانشگاه، آقایان دکتر محمد باقر ملانک و دکتر رسول جلیلی بودند.

در خلال این جلسه موضوع اختلاف وضع کنونی دانشگاه‌های کشور و وضع مطلوب و منطبق بر آرمان‌های ۵۷ مطرح شد. آرمانی که معروف‌ترین مؤلفه آن قول مشهور امام خمینی (ره) است که گفته‌اند: «دانشگاه کارخانه آدم‌سازی است».

هر دو استاد نظرات تقریباً مشابهی در خصوص این داشتند که امروز اختلاف بسیار است با آنچه در ایام انقلاب از دانشگاه در ذهن مردم و مسئولان وقت بود. البته دکتر ملانک اصل اینکه دانشگاه کارخانه آدم‌سازی است را به چالش کشید و اظهار کرد که این وظیفه بر گردن حوزه است. وی در ادامه گفت که دانشگاه امروز صرفاً جایی است که مدرک تولید می‌کند. وی یکی از بزرگ‌ترین دردهای جامعه دانشگاهی را فقدان پرسشگری دانشجویان عنوان کرد و یکی از دلایل اصلی خودسانسوری دانشجویان را حجب و حیای بی‌مورد حاکم بر فرهنگ جامعه دانست. ملانک در همین راستا یکی از انگیزه‌های مهاجرت را، همین نرسیدن به پاسخ سؤالات مطرح یا سرکوب شده

عنوان کرد. او در ادامه مثل اکثر سخنرانی‌هایش، خاطرات و نمونه‌های عینی خود را چاشنی سخنرانی کرد و خاطره‌ای از داخل دانشگاه تعریف کرد. ملانک چند سال قبل از کسی که مشغول زدن درخت‌های دانشگاه بوده سؤال کرده است که دلیل این کار چیست؟ طرف مقابل از او پرسید: «شما استادید؟» او پاسخ داده که بله. سپس فرد مذکور به دکتر گفته است: «مگر من از شما استاد می‌پرسم که چرا فلان درس را به فلان صورت ارائه می‌کنید؟». دکتر جلیلی هم ضمن تأکید بر فرمایشات امام در خصوص آدم‌سازی دانشگاه به عنوان رکنی اصلی،

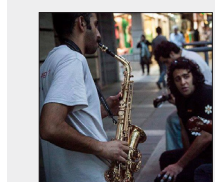


عکس خبری



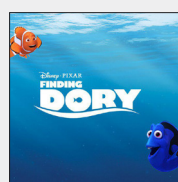
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد...

امسال دومین دوره نمایشگاه هنرهای تجسمی «جام عقیق» در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف با همکاری ستاد مناسبتی دهه فجر و کانون‌های عکس و موسیقی و شعر و ادب، این نمایشگاه را در سالن شهید رضایی برگزار کرد. این نمایشگاه که از شنبه ۲۳ بهمن شروع به کار کرد و تا چهارشنبه ۲۷ بهمن ادامه داشت، آثاری هنری از دانشجویان و کارمندان دانشگاه شریف را به نمایش گذاشت. برخی از آثار این نمایشگاه در صورت تمایل صاحب اثر، به فروش می‌رسید.



فستیوالی متفاوت

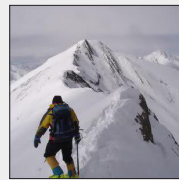
کانون موسیقی از تمامی نوازندگان و خوانندگان در سبک‌های سنتی و کلاسیک و پاپ که مایل به اجرای صحنه‌ای در فستیوال موسیقی هستند، دعوت کرده است تا نمونه‌ای از قطعات اجرایی خود را حداکثر تا ۸ اسفند ماه به sharifmusicfestival.info@gmail.com ارسال نمایند. متقاضیان توجه کنند که فایل ارسالی باید تصویری باشد و از کیفیت صدای مطلوب برخوردار باشد. متقاضیان همچنین علاوه بر نام و نام خانوادگی اجراکنندگان، باید اسم تمامی قطعات اجرا و مدت زمان آن همراه با ژانر موسیقی قطعات را در فایل‌های ارسالی ذکر کنند. این فستیوال در تاریخ ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ اسفند برگزار خواهد شد.



اکران انیمیشن ۲۰۱۶

معمولاً در ترم دوم سال تحصیلی، اکران فیلم در دانشگاه رونق بیشتری می‌گیرد. کانون سینما شریف در روز دوشنبه دوم اسفندماه انیمیشن «در جست‌وجوی دوری» (Finding Dory) محصول سال ۲۰۱۶ سینمای هالیوود را در آمفی تئاتر مرکزی اکران خواهد کرد. پس از اکران فیلم، برنامه با نقد فیلم و همچنین طرح موضوع ویژگی‌های انسانی در شخصیت‌های انیمیشنی با حضور امیر پوریا، منتقد و مدرس سینما، ادامه خواهد یافت. برای خرید بلیت این رویداد و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به کانال کانون سینما شریف [telegram.me/CinemaSUT](https://t.me/CinemaSUT) سری بزنید.

قله عریان



گروه کوه دانشگاه این بار در نظر دارد قله دیگری را فتح کند و به همین منظور برنامه‌ای ویژه پسران تدارک دیده است تا علاقه‌مندان به کوهنوردی بتوانند در آن شرکت کنند. قله سات با ارتفاع ۴۰۵۰ متر در شرق قله شاه البرز قرار دارد و از روستای جزینان و گردنه تنورکان می‌توان به آن صعود کرد. علت نام‌گذاری این قله به سات، نبود پوشش گیاهی در قله آن است به همین دلیل آن را سات یعنی عریان نامیدند. این برنامه در ۵ و ۶ اسفند برگزار خواهد شد. پیش‌نیاز شرکت در این کوهنوردی که برای همه الزامی است، داشتن سابقه صعود زمستانی یا شرکت در کارگاه برف ۲۹ بهمن است.

به سرعت در حال تعمیر



در روزنامه شنبه هفته پیش گزارشی از آسانسورهای دانشگاه ارائه شد که بر مبنای آن تعداد در خور توجهی از آن‌ها غیرفعال بودند و این طور به ذهن خوانندگان رسیده بود که نوسازی آن‌ها فرایندی طولانی را سپری می‌کند. حال بر اساس اطلاعات دریافتی از معاونت اداری و مالی دانشگاه مشخص شده است که همه آسانسورهایی که مؤسسه استاندارد پلیم کرده، در حال تعمیرند که تعمیرات تعدادی از آن‌ها به پایان رسیده است و در مرحله اخذ گواهی استاندارد هستند. با توجه به حادثه سقوط آسانسور، سخت‌گیری‌های دانشگاه و مؤسسه استاندارد در این زمینه افزایش یافته و هزینه بسیاری هم شده است.



سر مقاله

شماره ۷۰۴ • شنبه ۳۰ بهمن ۹۵

بخش خبری

یاد بعضی نفرات

ادامه از صفحه اول

چای آوردند و آقای هاشمی یک قرص کوچک گلوکز داخل فنجان چای انداخت و آن را با قاشق چای خوری هم زد و نوشید. بعد گفت: «در عین حال به شما مطلبی مهم تر بگویم. من با کار اقتصادی آشنا هستم؛ چون در گذشته کارهای مختلفی از جمله ساخت و ساز انجام داده‌ام. با کارهای دولتی هم همین طور. به نظر من، هزینه کار در بخش خصوصی کمتر و واقعی تر است. به نظر من، هر کاری که در بخش خصوصی ۱۰۰ تومن هزینه داشته باشد، در بخش دولتی به ۲۰۰ تومان بودجه نیاز دارد. با این حال، من ترجیح می‌دهم برنامه‌های توسعه را در بخش دولتی ادامه دهم. من از روزی می‌ترسم که در ایران به دلیل زیادبودن هزینه‌های پروژه‌های دولتی، هیچ پروژه‌ای را اجرا نکنیم. آنگاه مدعیان خواهند گفت پس در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرده‌ایم؛ در حالی که همه بودجه آن پروژه به بخش فساد منتقل خواهد شد. بگذارید ما ایران را با انجام همین پروژه‌ها بسازیم. اشکالات پروژه‌ها را می‌توان برطرف کرد.»

در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ با یکی از دوستان رقیبم قم خدمت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی. ایشان ما را به شام دعوت کرده بود. روی زمین کنار سفره نشستیم. در میانه شام، یکی از فرزندان آقای فاضل رو کرد به دوست من و گفت که آیا برای انتخابات کاندیدا می‌شود یا نه، دوست من گفت که باید دید نظر حاج آقا چیست. آقای فاضل عادت داشت که غذا را با دست بخورد و معتقد بود که این روش هم سنت پیامبر (ص) است و هم اینکه خداوند انسان را این چنین آفریده است که در شیارهای انگشتان آدمی آثریم‌هایی ترشح می‌شود که موجب گوارا تر شدن غذا می‌شود. آقای فاضل مایل نبود که در این مورد حرفی بزند، اما بالاخره گفت: «هن زمانه که مجبور به استراحت هستم، تلویزیون تماشا می‌کنم. زمانی که آقای هاشمی به مناطق مختلف سفر می‌کند و به جاهای بیرون از شهرهای رود، توجه می‌کنم و می‌بینم در آن منطقه چیزی نیست. صحرایی خشک است یا دشتی بدون هیچ گونه امکانات. اما دوربین صورت آقای هاشمی را که نشان می‌دهد، در چشمان او برقی می‌بینم که انگار آقای هاشمی آن صحرا را به صورت مجموعه عظیم کشت و صنعت می‌بیند یا آن دشت را مشحون از کارخانه‌جات کوچک و بزرگ. این برق در چشمان هاشمی مرا وامی‌دارد که بگویم هاشمی برای همیشه باید در مقام تصمیم‌گیری برای این سرزمین باقی بماند.»

فرزند آقای فاضل ادامه داد: «ولی آقا، آقای هاشمی دو بار رئیس‌جمهور بوده‌اند و دیگر نمی‌توانند کاندیدا شوند.» آقای فاضل پاسخ دادند: «بله، این را می‌دانم، اما برق نگاه هاشمی را نمی‌توانم فراموش کنم.»

گزارش برنامه تربیون آزاد در دانشگاه آزادی عقلانی



روز سه‌شنبه ۲۶ بهمن ماه به همت

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف پس از گذشت چندین ماه از آخرین تربیون آزاد در دانشگاه، تربیون آزادی در مورد پیشرفت پس از انقلاب اسلامی، با عنوان «از انقلاب تا آزادی» برگزار شد.

ساعت ۱۲:۴۵، ضلع جنوبی ساختمان ابن‌سینا تربیون و بنری برای تربیون آزاد قرار دارد و عده‌ای هم به عادت دیرین در حال ناهار خوردن در آن اطراف هستند. ناگهان چند نفر می‌آیند و بانندی در آنجا قرار می‌دهند و با صدای بلند آهنگ نوستالژیک «یار دبستانی من» را پخش می‌کنند که یعنی «ملت بیابید که اینجا خبری هست!!». بعد به مرور ناهار خوران محل را ترک می‌کنند و صندلی‌ها چیده می‌شود برای شروع برنامه تربیون آزاد.

با کمی تأخیر از زمان اعلام شده، ساعت ۱۲:۵۲ مجری به پشت تربیون می‌رود و از همه دانشجویان و دانشگاہیان درخواست می‌کند که در تربیون شرکت کنند و متنی با این نکته که قَبْلُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (پس به بندگان من بشارت ده، همانانی که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند)، می‌شود سرآغازی بر تربیون آزاد در دانشگاه شریف که مدت‌ها جایش خالی بود.

به هر نفر زمانی در حدود چهار دقیقه برای سخنرانی داده شده بود. نفر اول، دکتر محمدحسین بادامچی، ورودی سال ۸۴ دانشگاه شریف به پشت تربیون رفت و اظهار کرد (نقل به مضمون): «انقلاب اسلامی قیام‌سنت‌علیه‌مدرنیته یا بالعکس یا قیام اسلام در برابر غرب نبود، بلکه قیام شکلی از سنت علیه شکلی دیگر و قیام نوعی تجدید پیشرفت علیه نوعی دیگر بود. گفتمان شاه، رونق اقتصادی و اقتدار و امنیت بود و شعار انقلاب، آزادی، عدالت، استقلال، مردم و نفعی استبداد و استحمار و استثمار بود. اما اکنون همان گفتمان شاه در قالب توسعه بازتولید شده است. ارتباط نسل ما با گفتمان انقلاب قطع شده و یادمان رفته که آزادی و عدالت و نقش مردم در قانون اساسی ما آمده است و باید به آن‌ها بازگردیم». تمام سخنان وی با تشویق حضار همراه بود.

پس از این صحبت‌های سنگین، نوبت

و برای مثال از این گفت که قضات آمریکا حکم رئیس‌جمهور آمریکا را نقض کردند. نفر بعدی که به پشت تربیون رفت، صحبت کرد از چیزی که به نام اسلام به ما عرضه می‌شود که ملغمه‌ای است از همه چیز، از سرمایه‌داری گرفته تا تفکرات چپ. به گفته او تا زمانی که جودانشگاه و جامعه به همین صورت در رخت و بدون مطالبه‌گری باشد، وضع به همین صورت ادامه خواهد داشت.

در آخر آقای پویا مصدق دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف به پشت تربیون رفت. او با اشاره به محل دفتر جامعه اسلامی در ساختمان ابن‌سینا از همه حضار تشکر کرد و آرمش و حضور دانشجویان در این برنامه را نشان دهنده امید به نسل ما دانست و از همه خواست تا ایده‌هایشان را با جامعه اسلامی به اشتراک بگذارند.

حواشی:

در میانه صحبت‌های نفر دوم که خیلی موافق پیشرفت در آزادی نبود، ناگهان شارژ بلندگوی پورتابل به پایان رسید و برخی علت آن را دستور از «بالا» تلقی کردند! اما مشکل با سرعت عمل دست‌اندرکاران، با کشیدن کابلی طویل و رساندن برق رفع شد!

شاید جالب‌ترین حاشیه برنامه تربیون آزاد روز سه‌شنبه، بدون حاشیه‌بودن و عقلانی‌بودن آن بود. حتی وقتی از شخصیت‌های سیاسی و وقایعی مثل سال ۸۸ نام برده شد، تشنجی در فضا ایجاد نشد و همه چیز در آرامش و منطق و حداکثر با چند کف‌زدن آرام در جریان بود.

کشور برشمرد. سپس دوستی دیگر به پشت تربیون رفت و سخن خود را با تشکر از معاونت فرهنگی جدید دانشگاه به دلیل دادن مجوز به این برنامه شروع کرد. او ادامه داد که پس از انقلاب کشور ما اسلامی نشده است و کسی هم ادعایش را ندارد. این دانشجوی عوامی مثل کم‌کاری مسئولان و مردم، فشارها و جنگ و تحریم و شکاف‌فکری در جامعه را از مشکلات مانع پیشرفت برشمرد. وی در عین حال اشاره کرد که انقلاب با وجود مشکلات فراوان در کل به سمت درستی پیش می‌رود و لاقول برای ما استقلال و عزت آورده است که خود به خیلی چیزهای ارز.

نفر بعدی آقای بابک بهادری، دبیر سابق انجمن اسلامی بود که پشت تربیون رفت و اظهار کرد (نقل به مضمون): «انقلاب اسلامی حرکتی طبیعی در شرایط آن روزگار بود. حکومت مستقر شده پس از آن باید راهبردی مشخص داشته باشد برای ادامه مسیر که متأسفانه ما تاکنون نداشته‌ایم و نمود آن را در اتفاقاتی مثل مسابقه فوتبال در روز تاسوعا یا اتفاقات سال ۸۸ که هنوز تمام نشده است، می‌توان دید. همچنین باندبازی‌هایی که صورت می‌گیرد و برخلاف سخنان رهبری رفتارهایی از سوی دولت، سپاه و سایر نهادها صورت می‌گیرد که آزادی‌ها را محدود می‌کند و تا نیافتن فهم مشترک وضع به همین منوال است.»

دوست دیگری که به پشت تربیون رفت، از عام‌تر بودن خواسته‌ها از اسلام در انقلاب سخن گفت و اینکه مردم در قوای مختلف نمایندگان خود را می‌خواهند و نه تأیید صلاحیت‌شدگان را. اینکه مردم قوه قضاییه‌ای می‌خواهند که عادل و مستقل باشد و خودی و غیر خودی نکند

مصاحبه با فرزند آخر مرحوم هاشمی

آیت‌الله پر مشغله از زبان پسر

پرورنده

محمد صالح انصاری

پنجشنبه، صبح روز مراسم چهارم مرحوم آیت‌الله هاشمی، با وقت قبلی به دفتر هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی، در میدان نیاوران رفتیم تا با مهندس یاسر هاشمی، آخرین فرزند مرحوم دیدار کنیم و از احوال بزرگ‌مرد تاریخ معاصر در زندگی شخصی و در منزل پرس و جو کنیم.



عکس: علی سنیاسلامی

مسئولیت‌های سنگین آیت‌الله چه

تأثیری در رابطه پدر و فرزندی داشت؟

این رابطه دو بخش دارد؛ قبل و بعد از انقلاب. تا هفت سالگی بنده مربوط به قبل از انقلاب است؛ اما خاطر هست که وقتی ما برای دیدار حاج آقا به زندان می‌رفتیم، عاطفه پدری بروز پرزنگی داشت و خلا حضور خودشان را نزد ما با مهر و محبت فراوانی جواب می‌دادند که این عاطفه بعداً هم با ما ماند. بعداً در اوایل انقلاب، در دسرهای استقرار نظام، وقت زیادی از ایشان گرفت. وقتی کم‌کم انقلاب تثبیت شد، جنگ شروع شد و ایشان مجبور بودند برخی اوقات در محل کار بخواهند و خانه هم نمی‌آمدند. به هر حال من فکر می‌کنم به خاطر حضور مادر دفتیشان و همراهی‌شان در سفرها و آخر هفته‌ها و البته نقش مادرم، این روابط خانوادگی حفظ شد. تقریباً همه ما جمعه‌ها برای ناهار منزل پدر بودیم.

لذا ما در رابطه با روابط خانوادگی کمبودی احساس نکردیم. اینکه فرزند توقع نصیحت‌هایی را از پدرش دارد، یا اینکه پدرش مطلع از احوالش باشد، یا اینکه احساس کند پدرش همواره پشتوانه‌اش است، همه پررنگ بودند.

شما در این سال‌های پایانی همراه

همیشگی ایشان بودید؟

بله منتهی صحبت‌های من ناظر به زمان تحصیل من است. در آن زمان هر شب بین نیم تا یک ساعت را با ایشان می‌گذرانیدیم. همان زمان یک سری صحبت‌ها از بیرون بود که ما به ایشان منتقل و از ایشان پیگیری کنیم. البته در ده سال اخیر که من در دفتر ایشان کار می‌کنم، رابطه کاری و اجرایی زیاد بود.

کجا با آیت‌الله کار می‌کردین؟

در دو جا بودم. یکی مرکز تحقیقات استراتژیک که مستقیم زیر نظر ایشان بود و الان زیر نظر دکتر ولایتی مدیریت می‌شود. یکی هم دانشگاه آزاد اسلامی که ایشان هر زمان احساس می‌کرد، حضور می‌یافت.

در خصوص ساعت کاری ایشان

یک سری توضیحات دادید. در کل می‌خواستیم بدانیم زمان بندی ایشان چگونه بود؟

یکی از دلایل موفقیت آقای هاشمی نظم عجیبی بود که در کار داشتند. برنامه هفتگی ایشان از چهارشنبه هفته قبل تنظیم می‌شد. صبح زود صبحانه را با خانواده می‌خورد که این اواخر خود ایشان صبحانه را آماده می‌کرد و میز صبحانه را می‌چید و یکی از زمان‌های خوب ملاقات ما همین زمان صبحانه بود. این زمان حدود ۲۰ دقیقه طول می‌کشید. بعد با ماشین به محل کار می‌رفتند که حدود ۲۰ دقیقه در راه بودند. در همین فاصله تنظیم می‌کرد که اخبار رادیو را بشنود یا برخی بولتن‌ها را کم‌وبیش مطالعه کند. برخی ملاقات‌های ضرب‌العجلی هم در این فاصله انجام می‌شد. در محل کار اگر در کار تابل

ایشان نام‌هایی بود فوراً رسیدگی می‌کردند و تقریباً نام‌های روی میز ایشان معطل نمی‌ماند. تا نماز ظهر ایشان معمولاً ملاقات داشت. بعد از نماز و ناهار یک استراحت و خواب کوتاه نیم‌روز داشت. بعد از آن دوباره کار ایشان شروع می‌شد. اگر جلسه عمومی، هفتگی یا مجمع بود، شرکت می‌کردند و معمولاً تا نماز مغرب و عشاء ادامه پیدا می‌کرد. برخی وقت‌ها هم جلسه نمی‌گذاشتند و این زمان را صرف مطالعه می‌کردند. این اواخر هم به دلیل کسالت مادرم تأکید داشتند جوری خانه بیایند تا ایشان احساس تنهایی نکنند. به‌طور کلی حدود ۷ صبح از خانه خارج می‌شدند و بعد از نماز عشاء بر می‌گشتند. آخر شب هم خاطر ایشان را می‌نوشتند. یک زمان خوبی هم صرف اینترنت و سایت‌هایی که خودشان می‌دانستند می‌کردند. ایشان به کامپیوتر و اینترنت تسلط کافی داشتند و کارهای تحقیقی را خودشان انجام می‌دادند. پنجشنبه و جمعه هم ایشان معمولاً جلسه نداشت و صرف کارهای تحقیقی و مطالعه می‌کرد. جمعه‌ها هم معمولاً ۲-۳ ساعت صبح و همین مقدار در عصر مطالعه داشتند.

پس زمان مطالعه ایشان قابل توجه بوده؟

روزی ۲-۳ ساعت که در اواخر هفته بیشتر می‌شد.

زمینه مطالعه‌شان بیشتر چه بود؟

صفحه اول اکثر روزنامه‌ها را مطالعه می‌کردند و اگر لازم بود محتوای داخلی را هم می‌دیدند. البته دفتر مجمع هم روزانه برای ایشان یک بولتن از محتوای رسانه‌های ایران و جهان تهیه می‌کردند.

بحث سیاسی هم در خانه رایج بود؟

بله. واقعه غیر از مسائل خانوادگی، خیلی از صحبت‌های ما حول و حوش مسائل روز بود.

بچه‌ها اختلاف نظری هم داشتند؟

بله. این گونه بود که جمعه‌ها سر میز ناهار ما معمولاً وارد بحث می‌شدیم و ایشان بیشتر گوش می‌کرد. اگر هم تذکری لازم می‌دانستند وسط بحث می‌گفتند.

نظرشان در مورد فعالیت‌های فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فرزندان و خانواده و فامیل چه بود؟

ایشان از فعالیت‌های ما مطلع بود و اگر نیازی بود یا نکته‌ای را از کسی شنیده بود، سؤال می‌کرد. ما هم زیاد مشورت می‌کردیم.

دخالتی می‌کردند؟

سعی ایشان عدم دخالت بود، مگر جایی که احساس می‌کردند باید دخالت کنند. یعنی در کل آزادی عمل ما بالاتر بود.

من جلد دوم «دوران مبارزه» را که در

سال ۷۶ منتشر شده نگاه می‌کردم، در اسناد ساواک نوشته بود علی اکبر هاشمی. اسم ایشان دقیقاً چیست؟

اکبر هاشمی بهرمانی درست است. در اسناد ساواک و بعضی از مکاتبات، به اشتباه علی اکبر

خورده است.

گویا ایشان هر شب خاطر ایشان را می‌نوشتند.

من گمان کنم در دنیا تنها سیاستمداری است که خاطرانش را هر روز و برای ۳۵ سال نوشته است. یعنی از اول ماه فروردین سال ۶۰ تا ۱۸ دی ماه ۹۵ قبل از خواب دفتر چه خاطرانش (که سررسید هر سال بود) را از کشوپشت می‌زشت در می‌آورد و در سالن می‌نشست و یک صفحه می‌نوشت.

انتشار خاطرات زیر نظر شما انجام می‌شود؟

تا زمان حیات ایشان توسط فرزندان و زیر نظر مستقیم خودشان بود.

آخرین نسخه مربوط به چه سالی است؟

سال ۷۲. دوسه سال دیگر هم آماده است. آیا نظم خاصی دارد؟ برای مطالعه خاطرات سال‌های اخیر باید ۲۰ سال صبر کنیم؟

هر سال یک سال خاطره را چاپ کردیم. شاید روال تغییر کند. به سیاست دفتر نشر بستگی دارد.

تفریحات آقای هاشمی چه بود؟

یکی از تفریحات ایشان همان جابه‌جایی بین

محل کار و خانه بود. رفتارهای مردم، پروژه‌های عمرانی و ساختمانی شهر و از این قبیل را زیر نظر می‌گرفتند. اتفاقاً به همین دلیل در حوزه‌های شهری اطلاعات خوب و دقیقی داشتند. هفته‌ای یک روز هم که معمولاً پنجشنبه‌ها بود، به استخر می‌رفتند و ۴۵ دقیقه شنا می‌کردند. همان استخری که در آن فوت کردند. گاهی اوقات هم در حیاط منزل قدم می‌زدند و هفته‌ای یکی دو بار هم از تردمیل در منزل استفاده می‌کردند. ولی اصل تفریح ایشان مطالعه، کار و وقت گذاشتن با مردم بود. خصوصاً وقتی به سفر می‌رفتند و از پروژه‌ها بازدید می‌کردند یا

اولویت منافع فردی و رضایت حاکمان بر منافع و رضایت مردم و نیز نگاه همیشه به ملت در جایگاه رعایای ممالک محروسه و نه شهروندان جامعه مستقل و همچون دژی در دانه در صندوقچه اذهان به یادگار مانده‌اند. چهل روز از درگذشت اکبر هاشمی رفسنجانی می‌گذرد و پرونده شصت فعالیت سیاسی مملو از فراز و نشیب او، بسته شده و به قضاوت تاریخ سپرده است. حالا کارنامه هاشمی پر از مسئولیت‌های تاریخ‌ساز و ویژگی‌های شخصیتی با هزاران موافق و مخالف پیش چشم ماست. با اتکا به تراز تدبیر و جس

قریب به بیست سال سابقه صدارت فتحعلی شاه، امروز برای عموم مردم ایران چندان شناخته شده نیست؛ اما هر ایرانی نوجوانی با نام امیر کبیر آشناست. سیزده سال نخست وزیری امیر عباس هویدا نیز حریف دو سال حکومت محمد مصدق نیست. واقعیت آن است که این جنس از حافظه، بیش از آنکه متأثر از تعدد بلندگوها باشد، از دو ویژگی تأثیر می‌پذیرد؛ اول جسارت در گرفتن تصمیم‌های بزرگ و غالباً خیرخواهانه برای کشور و مردم و دوم شجاعت مواجهه علنی با تصویر خود در آینه جامعه. مصادیق انگشت‌شمار این دو ویژگی، در برابر رویکردهای همواره غالب

تاریخ سیاسی ایران علاوه بر نام حاکمان هر عصر، مملو از نام رجالی است که بر سرنوشت این کشور تأثیر داشته‌اند. برخی از این چهره‌ها به نیکی یاد می‌شوند و برخی نیز، مشمول مذمت آیندگان‌شان هستند. بماند که این تمجیدها و نفرین‌ها، با گذر زمان و زدودن غبار هراس و احساس از صفحات تاریخ هر عصر، گهگاه تغییر هم می‌کنند. چه عزیزی که به خاک مذلت کشیده می‌شوند و چه منفورانی که دادگاه تاریخ، تبرئه‌شان می‌کند. در این میان اما، ز یاد نیستند رجالی که سهم «حافظه جمعی» آیندگان‌شان را به ارث می‌برند. نام میرزا شفیق مازندرانی با

هاشمی؛ تصویر ماندگار ایران عصر ما

امین الهداد

مروری گذرا بر ۸۲ سال زندگی مرحوم هاشمی رفسنجانی

مردی از جنس کویر

او از پارلمان به پاس‌تور رفت. هاشمی خوب می‌دانست چه کار می‌خواهد بکند. او نه به دنبال گفت‌وگوی تمدن‌ها بود و نه جامعه‌مدنی، نه رفیع فقر و نه توزیع برابر ثروت. گفتمان اول و آخر او «سازندگی» بود و «توسعه». او می‌خواست کشوری زخمی از خسارات جنگ را احیا کند و راه این احیا را از مسیر اقتصاد لیبرالی می‌دید. دیگر چیزی مهم نبود. دوران ریاست هاشمی، دوران سلاکتی در تاریخ جمهوری اسلامی است. منتقدان و دانشگاه‌ها ساکت‌اند و مردم عموماً ناظر. هر قدر هم که به سیاست‌های هاشمی در این دوران معترض باشیم، نمی‌توانیم سدها و کارخانه‌ها و بلندپروازی‌های او برای ایران را نادیده بگیریم.

نیمه دوم دهه هفتاد: اولین تخریب‌ها

بحث انحرافی ریاست جمهوری مادام‌العمر هاشمی که یکی از نیروهای تند آن روزها و ضدانقلاب این روزها مطرح می‌کند، به سرعت جمع می‌شود و انتخابات ۷۶ با نتیجه‌ای شگفت‌آور به اتمام می‌رسد. سید محمد خاتمی، دوران جدیدی برای ایران می‌سازد و هاشمی قصد می‌کند تا دوباره رداى نمایندگی مجلس به تن کند. نتیجه انتخابات مجلس ششم اما عجیب است. هاشمی سی‌ام شده و در جایگاه آخرین نفر از تهران راهی مجلس می‌شود. منتخب‌های جدید اما زم‌مه‌هایی از تأییدنشدن اعتبار نامه هاشمی دارند. فضای سنگینی علیه او ایجاد می‌شود. مدعیان اصلاحات، یار دیرین امام و رهبری را «عالیجناب سرخپوش» می‌خوانند و تندترین هجمه‌ها را به او می‌کنند. دوران سخت آیت‌الله آغاز می‌شود.

انتخابات ۸۴: اولین شکست

احساس خطر می‌کند؟ نمی‌دانیم. هر چه هست، آیت‌الله در ۷۱ سالگی هوای پاس‌تور می‌کند و وارد رقابت پر مدعی ۸۴ می‌شود. در دور اول نفر اول می‌شود؛ اما آرای کافی را ندارد. رقیب او، شهردار جوان تهران است. تقریباً تمام ظرفیت جریان‌هایی که هاشمی را تا چند سال قبل تخریب می‌کردند، حالا از ترس شهردار جوان پشت او جمع می‌شود. نتیجه اما سهمگین است. این، نخستین و تنها شکست هاشمی در انتخاباتی عمومی است که رقم می‌خورد. HASHEMI2005 شکست خورده است.

عملکرد در ۸۸: آرام مثل کویر

بازی عوض شده، اما داستان تخریب هاشمی، هنوز ثابت است. این بار از سوی جناحی دیگر. مناظره‌های انتخاباتی ۸۸ محلی برای شدیدترین هجمه‌ها علیه هاشمی است. هجمه‌هایی که با انتقاد جدی رهبری همراه بود. هاشمی اما، چه در دوران تبلیغات انتخاباتی و چه در دوران آشوب‌های پس از آن، دعوا و عمل هیجانی ندارد. حتی در نماز جمعه پر حاشیه ۲۶ تیر هم آرام است و راهکار هایش برای حل مشکلات را بیان می‌کند. این آرامش از کجایم آید؟ شاید از کویر، سرزمینی که هاشمی را در خود پروراند. مردان کویر، مردان آرامی هستند.

فصل پایانی: روی موج امید

هاشمی در ۷۹ سالگی هم برای انتخابات، باست جمهوری ثبت‌نام می‌کند و دصلاحت می‌شود. اعتراض می‌کند؟ هرگز. فقط مهره‌های بازی را عوض می‌کند. نزدیک‌ترین فرد به او و رفتارش، تحت تأثیر فضای خاص کشور در سال ۹۲ برنده می‌شود. حالا مسیر کشور بیش از همیشه شبیه دوران او شده است. هاشمی در آخرین انتخابات عمرش، خیرگان ۹۴ هم مقتدرانه منتخب اول تهران می‌شود. حالا سال ۹۴ است، نه ۷۸، نه ۸۴. تخریب‌ها علیه او هست، اما دیگر برندگی گذشته را ندارد. مردم، بانگ‌هایی به کار نامه ۲۰ سال مبارزه و ۳۸ سال سیاست‌ورزی هاشمی، در مجموع قضاوت‌منصفانه و درستی از او دارند.

درگذشت: در کنار مراد

شامگاه یکشنبه ۱۹ دی ۹۵، در شبی که دانشجویان آماده امتحانات پایان‌ترم خود می‌شدند و مردم، از روزی معمولی به سوی روز معمولی دیگری می‌رفتند، خبر رسید هاشمی رفسنجانی در استخر کوشک سعدآباد دچار عارضه قلبی شده و دو ساعت بعد، در بیمارستان شهدای تجریش جان سپرده است. تشییع جنازه‌اش جایی برای حضور گسترده مردم با طرز تفکرات گوناگون است. حتی پیکر او هم، در آخرین لحظات منشأ خلق سیاست می‌شود. هاشمی ظهر سه‌شنبه ۲۱ دی، در کنار مرادش، به خاک سپرده می‌شود. کنار مردی که با او بالیدن را آموخته بود.

محمد صالح سلطانی سوم شهریور ۱۳۱۳ تا نوزدهم دی ماه ۱۳۹۵، مسیر ۸۲ ساله و پر تلاطم که هر آدمی با هر سطح فکر و فعالیتی در آن می‌زیست، دورانی پر از فراز و فرود را تجربه می‌کرد. قهرمان قصه ما اما خود، بخشی از این تاریخ ۸۲ ساله را ساخته است. مردی که آن قدر «بود» که نبودنش برای همه ما غیر عادی است. اکبر هاشمی رفسنجانی، مردی که با همه عناوین سیاسی این سال‌ها شناختیم و زیر چتر سیاست‌های درست و غلطش بالیدیم، ۴۰ روزی می‌شود که در میان مانیت. مروری گذرا بر مهم‌ترین نقاط این خط سیر ۸۲ ساله، خالی از لطف نیست.

تولد تاجوانی: در مسیر تکوین

علی اکبر، در خانواده‌ای تقریباً متمول به دنیا آمد. از ۵ سالگی وارد مکتب‌خانه شد و در ۱۴ سالگی، راه‌قم را پیش گرفت. دروس حوزوی را نزد امام خمینی، آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله حائری یزدی و بسیاری از بزرگان عصر خود فرامی‌گرفت و آرام آرام، از نوجوانی ساده و روستایی بدل به جوانی پر شور و پیچیده و دارای نگاه‌های ملی و جهانی می‌شد.

مبارزات: آن ۱۹۴۶ روز

اکبر آقای هاشمی، از سال‌های دهه ۳۰ به جمع حلقه همراهان آقاسید روح‌الله موسوی خمینی پیوست؛ اما نخستین بارقه‌های کنش سیاسی را در دهه ۴۰ بروز داد. او، کتاب «سرگذشت فلسطین» را در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه کرد، تا طلاهدار بحث‌هایی عمیق و اساسی درباره رژیم نامشروع اسرائیل باشد. هاشمی سال‌ها بعد، به رسمی همیشگی، سخنران اصلی مهم‌ترین مراسم ملی حمایت از مردم مظلوم فلسطین بود. هاشمی در سال ۴۳، یکی از مهم‌ترین حامیان و همراهان ترور انقلابی حسن‌علی منصور بود و پس از تبعید امام از ایران، مانند بسیاری از مبارزان زندانی شد. مجموع دوران اسارت هاشمی در زندان‌های رژیم شاه ۵۱ سال و ۴ ماه گفته‌اند. به عبارتی ۱۹۴۶ روز. روزهایی مملو از شکنجه ورنج که هاشمی را برای روزهای بزرگ، آماده می‌کرد.

پیروزی انقلاب: همیشه حاضر

نزدیکی و محبت میان هاشمی و امام، میان باران روح‌الله زبان زد بود. متن انتصاب نخست‌وزیر دولت موقت را او خواند و در روزهای آغازین جمهوری اسلامی، همواره در خدمت حکومت نوپا بود، گاهی در شورای انقلاب، گاهی در وزارت کشور و گاهی در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. قانون اساسی که نوشته شد و نهاد‌های انقلاب که به سامان رسیدند، راه پارلمان را پیش گرفت و ریاست مجلس را عهده‌دار شد. اعلام رسمی عزل ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری را با صدای خاص و ته‌لپچه کرمانی او به یاد می‌آوریم.

دهه شصت: هم‌سرنگ، هم‌حقوق‌دان

این دهه خاص از تاریخ معاصر ایران، برای هاشمی در دو چیز خلاصه می‌شد، مجلس و دفاع مقدس. او از یک سورئیس نهاد قانون‌گذار کشور بود و از سوی دیگر، فرمانده نبرد نظامی با دشمن متجاوز. هاشمی دهه شصت، توأمان سرهنگ و حقوق‌دان بود و گذشته از برخی انتقادات، در هر دو هم موفق. او در خاتمه جنگ و قبول قطعنامه ۵۹۸ نقشی مهم ایفا کرد و البته به دلیل همین نقش و البته ماجرای پرچالش مک‌فارلین، بخش‌هایی از مردم او را نقد کردند. با این حال اما حضور مستمرش در دوران متلاطم نبرد، در نهایت از هاشمی دهه شصت، تصویری انقلابی و محبوب و جذاب برای مردم می‌ساخت.

درگذشت امام: حماسه یار دیرین

درگذشت امام خمینی (ره) ضربه‌ای سنگین برای او و همه همراهان امام بود. ۳۰ سال همراهی استاد و شاگرد به آخر رسیده بود و موعد انتخاب جانشین برای امام. هاشمی، در کسوت مدیر جلسه تاریخی خیرگان، با بیان خاطرهای که از امام داشت و اصرار در برابر مخالفت‌های آیت‌الله خامنه‌ای، در شرایطی که دنیا به انتظار آغاز جنگ قدرت در جمهوری اسلامی نشسته بود، کار رهبری نظام را سامان داد و نامش را در تاریخ جمهوری اسلامی، مانا تر از گذشته کرد. روابط صمیمانه آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی، تا آخرین روزهای حیات شیخ اکبر تداوم یافت و رفاقت ۶۰ ساله این دو دوست دیرین جاودانه شد.

نیمه اول دهه هفتاد: سلام آقای رئیس‌جمهور!

قانون اساسی اصلاح شده بود و حالا رئیس‌جمهور، واقعاً نفر اول اجرایی کشور تلقی می‌شد. انتخابات ۶۸ با پیروزی مقتدرانه هاشمی تمام شد و

تعدادی زمین هم در قم داشتند که بخش قابل توجهی از آن‌ها را به طلاب اهدا کردند و بقیه را هم در صورت لزوم می‌فروخت و هزینه‌های زندگی را تأمین می‌کرد. در سال‌های قم تعدادی زمین داشت که بخشی از آن را به فرزندان (به هر نفر ۵ قطعه) دادند. خلاصه ما ارث خود را چند سال پیش از ایشان گرفتیم.

پنج شخصیت مورد علاقه و پنج شخصیت ناخوشایند ایشان را نام ببرید.

الان در خاطر من نیست. ولی به‌طورکلی تنها کسی را که مطلق دوست داشت، امام بود. زندگی و عملکرد دیگران را در خارج یا داخل کشور مطالعه می‌کرد، ولی این که بخوایم بگوییم مورد علاقه ویژه، به خاطر ندارم. الان. در خصوص شخصیت ناخوشایند هم ایشان کلاً در ذاتشان نبود که اگر نسبت به فردی حسن ظن نداشت، بخواید دائم در خصوص وی صحبت کنید. اگر هم به‌ندرت چیزی می‌گفت به‌طور کلی می‌گفت.

ارتباط آقای هاشمی با دانشگاه چطور بود؟

من به شخصه بر خلاف عامه مردم که آقای هاشمی را در بعد سیاسی نخبه می‌دانند، وجهه علمی ایشان را بسیار پررنگ‌تر می‌دانم. یکی از کارهای بزرگ ایشان که شاید بزرگ‌ترین دستاورد علمی بعد از انقلاب باشد، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی بود که امروز دستاورد‌های بزرگی، چه در تولید علم چه در تربیت نیروی کار داشته است. ضمن اینکه امروز دست کم ۶ میلیون نفر، یا فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد هستند، یا در حال تحصیل. فرض کنید ۱۰ درصد از این جمعیت به دلیل عدم توانایی قبول شدن در دانشگاه‌های ملی و سراسری به خارج می‌رفتند و در دانشگاه‌های اغلب بی‌کیفیت حاشیه خلیج ... تحصیل می‌کردند و برای دوره کارشناسی دست کم ۵۰ هزار دلار خرج می‌کردند، امروز ۳۰ میلیارد دلار پول از کشور خارج شده بود، فقط به خاطر تحصیل. ضمن آنکه آقای هاشمی بسیار به تغییر نسل دانشگاه آزاد از نسل یک به سه تأکید داشتند و مرتب آن را دنبال می‌کردند. به‌طور خاص روی نوآوری‌های حوزه آب و انرژی به‌شخصه ورود پیدا می‌کردند و پیگیری می‌شدند و معتقد بودند ۲۰ تا ۳۰ تا ایده را حمایت کنیم تا حتی یکی از آن‌ها به ثمر بنشیند و کشور را متحول کند، کافی است.

سخن آخر؟

چون این‌روزنامه را شریفی‌های می‌خوانند، یاد ناراحتی عمیق آقای هاشمی از خروج دانشجویان از کشور می‌افتم. هر چند بسیار با تحصیل علم و تبادل علمی با دانشگاه‌های خارج از کشور موافق بودند، ولی همیشه آرزو داشتند که دانشجویان برگردند.

مسئولی به ایشان گزارش راه‌اندازی پروژه‌ای می‌دادند، روحیه می‌گرفت و لذت می‌برد. در خصوص سفر هم سالی دو بار معمولاً به سفر تفریحی می‌رفتند. یک بار به مدت ۳ روز مشهد، مهمان آقای طبسی و یک بار هم به کیش به اتفاق خانواده. دیگر سفر تفریحی به یاد ندارم از ایشان.

مشوش‌ترین دوران حاج آقا چه دورانی بود؟

مشوش‌ترین دورانی که من به خاطر دارم از ایشان اواخر دوران آقای احمدی‌نژاد بود که تحریم‌های بسیار سنگینی بر کشور تحمیل شد. نظر ایشان را پرسیدم و ایشان گفتند: «هرگز در یاد ندارم دورانی را پس از انقلاب که اوضاع این قدر سخت بوده باشد». من تعجب کردم و پرسیدم: «حتی در مقایسه با سال ۶۰ و خیل ترور شخصیت‌ها و بی‌نظمی؟» که ایشان اشاره کرد که آن دوران با وجود همه اتفاقات ناگوار، روندی روبه‌جلو‌ر می‌دیدند و آن‌روز (سال‌های ۹۰، ۹۱) دیگر انقلاب به تثبیت رسیده بود و انتظار پیشرفت‌های بزرگی را داشتند، در حالی که در آن دوران عقب‌گردهای عجیب و نگران‌کننده‌ای رخ داد.

آرام‌ترین دوران چطور؟

کلاً ایشان آدم آرام و پرامیدی بودند. ولی آنچه من در یاد دارم در این روزها انتخاب آقای روحانی بود. چون احساس می‌کردند مردم آگاه شده‌اند و انقلاب به ریل خود برگشته.

چرا آقای هاشمی عضو حزبی نبود؟ نظرشان در خصوص تحزب چه بود؟

ایشان عضو حزب جمهوری اسلامی بودند و با جامعه روحانیت ارتباط مداوم داشت و خود را از اعضای آن می‌دانست. ولی به خاطر نوع رفتارشان معمولاً همیشه به دنبال حفظ تعادل در جامعه بودند. ولی اطمینان دارم که به تحزب اعتقاد خاص داشت و سعی می‌کرد با تمام احزاب ارتباط مستمر داشته باشد.

ماهانه چند بار با رهبری انقلاب دیدار داشتند؟ نظم خاصی داشت؟

بله. تا پنج‌شش سال پیش هر هفته سر وقتی منظم با ایشان جلسه داشتند. اخیراً کمی این نظم به هم خورد، ولی ارتباط و صمیمیت بین این دو مستمراً ادامه داشت. ولی هرگاه موردی اضطرابی از هر طرف پیش می‌آمد، این ملاقات صورت می‌گرفت.

فعالیت‌های اقتصادی غیر دولتی آقای هاشمی چه بودند؟

آقای هاشمی قبل از انقلاب فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌ای در زمینه کشاورزی، زمین‌وساخت و ساز داشت. بخشی از هزینه‌های مبارزه را هم از همین جا تأمین می‌کرد. بعد از انقلاب فعالیت‌های ایشان به صفر رسید و هر چه داشتند از پیش از انقلاب بود. هزینه‌های سالانه خود را هم از زمین‌پسته‌ای که در توق دارند، تأمین می‌کردند.

در گرفتن تصمیمات تاریخ ساز و نیز قرار داشتن همیشگی در معرض انتخاب ملت، باید اعتراف کرد اکبر هاشمی رفسنجانی از هم‌اکنون تصویر ماندگار عصر مادر حافظه جمعی آیندگان ساکن این سرزمین خواهد بود.

نگاهی به روش و منش هاشمی در سال‌های پایانی عمر، نشان می‌دهد که خود او نیز بر این نکته واقف بوده و خود آگاه بر کیفیت تحقق آن تأثیر گذاشته است. به هر حال، سال‌ها تاریخ خواندن و خاطر‌نوشتن و از همه مهم‌تر عبرت گرفتن، وجه تمایز هاشمی با بسیاری از دولت‌مردان عصر ما بود...

تبدیل پلاستیک به غذا



جمعی از دانشجویان بیوفیزیک و بیوشیمی دانشگاه ییل آمریکا در سفری تحقیقاتی به جنگل‌های آمازون در اکوادور، قارچی را کشف کردند که قادر به تجزیه پلی‌اورتان است. از آنجا که این قارچ در شرایط بی‌هوازی فعالیت می‌کند، گزینه مناسبی برای کاربرد در اعماق لندفیل‌های زباله برای تجزیه پسماندهای پلاستیکی است. اما قبل از همه کاترینا آنگر، با همکاری دانشگاه اوترخت هلند دستگامی را طراحی کرده است که این قارچ‌های کمیاب روی بستری زلاتینی که تکه‌های پلاستیکی در آن وجود دارد، کشت داده می‌شوند و پلاستیک را تجزیه می‌کنند و به موادی خوردنی تبدیل می‌کنند.

منبع: نیوزویک و سایت modern farmer

گذار عربستان سعودی به سمت انرژی‌های نو



عربستان سعودی در حال انتقال سیستم انرژی خود به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی و بادی است با این هدف که عمر منابع فسیلی خود را طولانی‌تر کند. عربستان سعودی قصد دارد تا سال ۲۰۲۳ به میزان ۱۰ گیگاوات از منابع تجدیدپذیر باد و خورشید، انرژی تولید کند و این کار در رادرساحراهای پهناور شمال غربی خود انجام خواهد داد. این انرژی تولیدی، از مصرف روزانه ۸۰ هزار بشکه نفت خام جلوگیری خواهد کرد. عربستان برای توسعه این ظرفیت تجدیدپذیر نیازمند ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. وزیر انرژی عربستان اشاره کرد که هزینه تولید انرژی تجدیدپذیر در عربستان یکی از کمترین رقم‌ها در دنیا خواهد بود. منبع: بلومبرگ



دانش بومی و چالش‌های آب در ایران

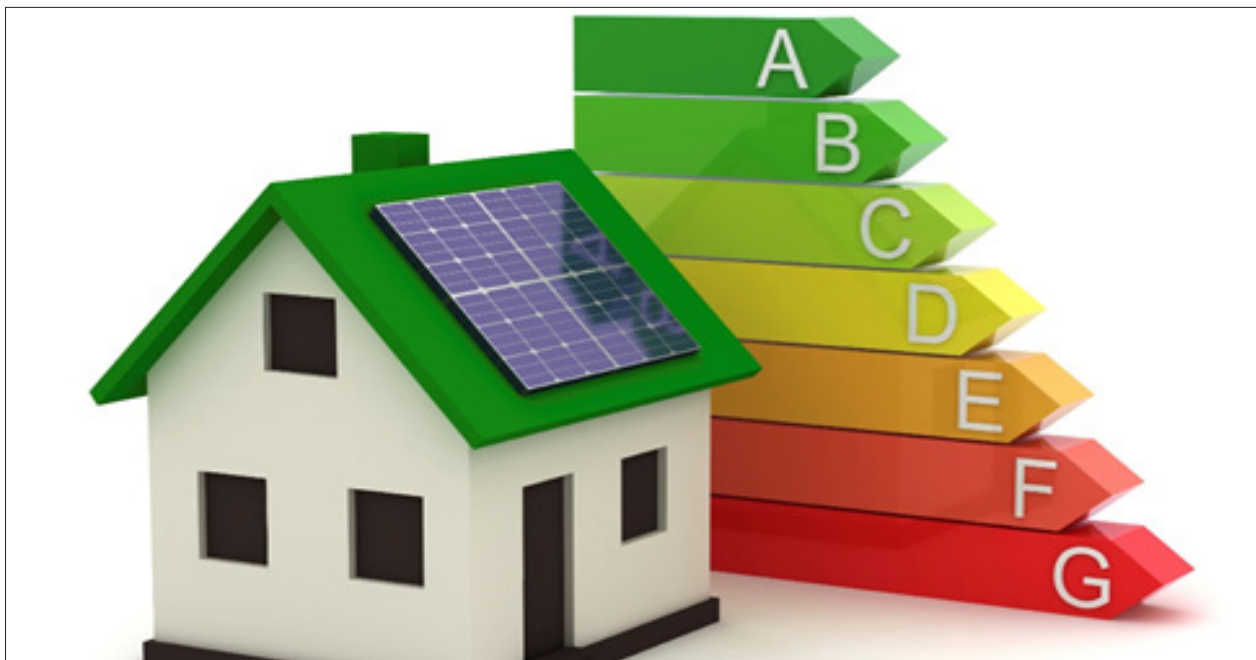
محمد فلاحی

دوشنبه هفته گذشته دانشکده عمران دانشگاه شریف میزبان سه مهمان محیط‌زیستی بود. خانم خدیجه رضوی از مؤسسه توسعه پایدار سینستا، محمد درویش مدیر کل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست و خانم فاطمه ظفرزاد پژوهشگر آب و توسعه پایدار. ابتدا خانم رضوی درباره دانش کهن و چندین هزار ساله ایران در مدیریت منابع آب سخنرانی کرد. وی بر توانایی ایران کهن در «مدیریت یک قطره آب» تأکید داشت. به نظر رضوی ایران در حدود سه هزار سال پیش صاحب نظام کارآمدی در مدیریت آب خود بود. خانم رضوی در پاسخ به این سؤال که «اگر این نظام، کارآمد و مفید بوده است، چرا هم‌اکنون اثری از آن نیست؟»، یکی از دلایل آغازین را اجرای قانون اصلاحات ارضی و ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع و به تبع آن از دست رفتن نظام‌های مدیریتی منابع طبیعی کشور دانست. او با اشاره به سازه‌های آبی شوشتر در قدیم، به تبلور دانش و مهندسی و هنر در آن اشاره کرد. رضوی یکی از دلایل اصلی مواجه شدن ما با بحران‌های کنونی در حوزه آب را مفتون فناوری غرب شدن دانست و این موضوع که بدون آنکه اثرات نامطلوب فناوری‌های وارداتی را به صورت ژرف بکاویم، از آن استفاده افسارگسیخته کرده‌ایم.

در ادامه آقای درویش بخش مهمی از صحبت‌های خود را به ارزیابی هزینه و فایده در کشاورزی ایران اختصاص داد. به گفته او براساس آمار، تولید کشاورزی ایران ۱۱۷ میلیون تن در سال است و این بخش به میزان ۱۸۰ هزار میلیارد تومان، معادل حدود ۵۰ میلیارد دلار برای کشور درآمد اقتصادی دارد. این در حالی است که با توجه به برآوردهای خوش‌بینانه از فرسایش خاک ایران، در سال معادل ۲ میلیارد تن با ارزش هر تن ۲۸ دلار بر اساس کانی‌های خاک، هزینه هدررفت خاک ۵۶ میلیارد دلار می‌شود - هر چند در این محاسبه برآورد هزینه آب نیست. درویش تأکید می‌کند که بحران آب ایران به بیماری می‌ماند که نیازمند جراحی است.

در پایان این نشست خانم ظفرزاد در جاسگاه آخرین مدعو سخنرانی کرد. او سخنان خود را به آخرین گزارش انجمن ژم از حکمرانی مدرن بر کره زمین و گزارش مجله Living planet به دو فاکتور فقر گسترده ساکنان و وخت و وضعیت منابع طبیعی زمین اختصاص داد. ظفرزاد تأکید کرد که ایران باید کشاورزی خود را حفظ کند تا در آینده پس از اتمام منابع فسیلی با خطر امنیت غذا مواجه نشود. او سپس با اشاره به آمار سدسازی‌های فراوان و انتقال آب آن‌ها به شهرها، مهم‌ترین دلیل هدر رفتن منابع آب را انتقال افسارگسیخته آن به شهرها خواند.

جای خالی برچسب انرژی برای سازندگان ساختمان در ایران قفلی با کلید قانون‌گذاری



تفکیک کرد. در این نوع برچسب‌دهی دفتر مقررات ملی ساختمان، سه نهاد شهرداری، سازمان نظام مهندسی و وزارت راه، مسکن و شهرسازی را پرچم‌دار تلقی می‌کند. سازمان نظام مهندسی و شهرداری‌ها، با توجه به داشتن اهرم‌های لازم جهت نظارت، ظاهراً می‌توانند نقش پررنگی در این زمینه ایفا کنند؛ اما این دو نهاد همچنان بعد از سال‌ها نتوانسته‌اند سازندگان ساختمان‌ها در کشور را شناسنامه‌دار کنند و به کمک آن بتوانند جایگاه و رتبه‌بندی سازندگان را در اختیار ساکنان قرار دهند. وزارت راه، مسکن و شهرسازی نیز نقشی کلیدی و ریشه‌داری در این حوزه دارد و با توجه به ساختارها و سازمان‌های مربوط به خود می‌تواند خیلی پیشروتر از دیگر نهادها هم‌سو در این حوزه فعالیت کند؛ اما این نهاد نیز هنوز در تدوین برچسب انرژی دقیق و عملیاتی که بتواند ملاک عمل سازمان نظام مهندسی و شهرداری‌ها قلمداد شود، ناموفق بوده است. نتیجه این ناهماهنگی‌ها این است که امروز بسیاری از ساکنان هستند که مجبورند هزینه ساخت و سازهای بی‌کیفیت سازندگان ناشناس را در سبد هزینه خانوار خود ببینند.

طبق آنچه بیان شد، مشخص است در مورد برچسب‌دهی انرژی به مصرف‌کنندگان انرژی در ساختمان، تلاش‌های مختلفی شده است که نیازمند تکامل است؛ اما آنچه مهم به نظر می‌رسد آن است که اگر به دنبال تحقق پروژه‌های برچسب انرژی هستیم، بایستی به اهمیت برچسب‌های نوع دوم، به علت وجود نهادهای نظارتی تعریف‌شده و قابلیت تأثیرگذاری اجتماعی - شان واقف باشیم و تمامی زیرساخت‌های لازم را جهت شناسنامه‌دار کردن سازندگان برای تخصیص برچسب انرژی به آن‌ها که در رتبه‌بندی‌شان مؤثر است، مهیا کنیم.

مختلف موجود در ساختمان را مطالعه کرده است. در حدود مربوط برچسب‌دهی به مصرف‌کنندگان ساختمان، کارهای مختلفی صورت گرفته که عمدتاً با مشکلاتی روبه‌رو شده است؛ چراکه واقعی نبودن هزینه‌های انرژی در سبد هزینه‌های خانوار، در کنار نبود تعریف دقیق از قوای نظارتی جهت اجرای آن موجب فقدان انگیزه لازم بین ساکنان شده است. در این بین یکی از قدیمی‌ترین مطالعات را می‌توان مطالعات سازمان ملی استاندارد دانست که در مباحث ISIRI ۱۴۲۵۳ و ISIRI ۱۴۲۵۴ وضعیت عملکردی دوره‌ای مصرف‌کنندگان انرژی ساختمان را بررسی کرده است. این مطالعه چندین سال ملاک رتبه‌بندی وضعیت مصرف انرژی ساختمان‌ها در پروژه‌های ممیزی قرار گرفت؛ اما به علت ویرایش نشدن ورکود، تقریباً از دستور کار خارج شد. با خالی بودن جای برچسب دقیق، وزارت نیرو با هدف پرکردن این جای خالی، اخیراً موفق شده است از پروژه‌ای با عنوان «برچسب انرژی ساختمان» برای برچسب‌دادن به مصرف‌کننده ساختمان رونمایی کند. این پروژه رویکرد جدیدی به مطالعات انجام شده دارد و با تقسیم‌بندی حوزه مصرف انرژی ساختمان در قسمت تجهیزات و تأسیسات و معماری به روش‌های فازی، درصدد جمع‌ضرایب بخش‌های مختلف با یکدیگر است. هر چند هنوز این برچسب از لحاظ فنی ایراداتی دارد و نمی‌تواند ملاک دقیقی برای رتبه‌بندی ساختمان‌ها باشد، باید گفت در مقایسه با فعالیت‌های موجود در رویکرد دوم با فاصله‌پیش‌تاز است.

اعطای برچسب به ساختمان‌های در حال ساخت طبیعتاً در نهایت تأثیر کلیدی بر انتخاب خریداران و مستأجران برای انتخاب محل سکونت دارد؛ چراکه می‌توان برای برچسب‌دهی به سازندگان به آن‌ها استناد کرد و سازندگان با کیفیت و بی‌کیفیت را از هم

اهمیت برچسب‌دهی انرژی به ساختمان و نقش آن در کارایی مصرف انرژی بر کسی پوشیده نیست. برچسبی که حق هر ساکن ساختمان است تا در مورد آن بدانند و حوزه و حدود مصرف انرژی ساختمان خود را به صورت نسبی با دیگر ساختمان‌ها مقایسه کنند. مسلماً وجود این برچسب می‌تواند در جهت کاهش مصرف انرژی ساختمان نقشی مؤثر ایفا کند.

برچسب انرژی ساختمان به صورت کلی می‌تواند به استناد تجهیزات و مصرف داخلی ساختمان به مصرف‌کنندگان تعلق گیرد، یا اینکه در ساختمان‌های در حال ساخت با رویکرد نظارت فنی بر سازندگان و افزایش کیفیت ساخت لحاظ شود. هر کدام از این دو رویکرد نیز اهمیت و مزایای خود را دارند. در نوع اول برچسب‌دهی به مصرف‌کننده، می‌توان انگیزه بهبود وضعیت کارایی انرژی را برای ساکنین ساختمان‌ها به ارمغان آورد. در نوع دوم، یعنی تعلق برچسب به سازندگان نیز می‌تواند بازوی رقابتی برای ساخت خانه‌های با کیفیت‌تر در بین سازندگان به وجود آورد. اما این موضع را که در ایران کدام رویکرد در دستور کار قرار دارد و به کدام شیوه تلاش برای رتبه‌بندی ساختمان داریم، باید در مطالعات اخیر جست‌وجو کرد. در سال‌های اخیر، متولیان مختلف این حوزه اعم از وزارت خانه‌های راه، مسکن و شهرسازی، نیرو و سازمان نظام مهندسی در کنار برچسب‌های موجود متعلق به سازمان ملی استاندارد، به صورت مجزا به دنبال نصب برچسب‌های معتبر خود بر سرر ساختمان‌های مسکونی و غیر مسکونی و افزایش نظارت فنی و مهندسی خود بر عملکرد مصرف انرژی بوده‌اند. مطالعات سال‌های اخیر در حوزه معماری ساختمان بوده و گاه به صورت جزئی‌تر تجهیزات

انرژی

مرتضی حدادی

خاطره‌ای از آقای دکتر مهری استاد عزیز دانشکده ریاضی

من تنها نبودم



هزار قلم

شهریانو فریزندی

دکتر مهری یکی از چهره‌های خاطره‌آفرین دوران تحصیل من هستند. در تمام ایام دانشجویی هر وقت صبح جمعه برای رسیدن به شیرپلا حدود ساعت هفت صبح از ابتدای سرپند و بعد از مسجد اولین شیب‌های نفس‌گیر را خواب‌آلود طی می‌کردیم، دکتر مهری را پرانرژی و سرشاد می‌دیدیم که با سرعت بر می‌گردد. با سلامی از کنار هم می‌گذشتیم و همیشه این سؤال برایم باقی می‌ماند که چه ساعتی دکتر راهی بالا شده بود. اما خاطره من از دکتر مهری زمانی پررنگ‌تر شد که آخرین ترم تحصیلی را در پاییز ۵۶ طی می‌کردم. در سال‌های آخر بعد از دو ترم تعطیل شده به علت تنبلی در درس خواندن، با گرفتن واحدهای ریاضی اختیاری از دانشکده ریاضی تلاش می‌کردم از شر دانشگاه خلاص شوم.

حیف که انسان دیر متوجه می‌شود که فرار از مرحله‌ای به مرحله دیگر نجات‌بخش نیست. در زندگی اصلی به نام اصل بقای سختی وجود دارد و مهم فهم شرایط و کنار آمدن با آن است. درس سه واحدی محاسبات عددی را با دکتر مهری ثبت‌نام کردم. پاییز ۵۶ بیش از یک سال بود که از دواج کرده بودم و در انتظار تولد اولین فرزندم بودم. هر دو دانشجو بودیم و برای گذران زندگی کار می‌کردیم. همسر در کارخانه و من با تدریس ریاضی در دبیرستانی دخترانه. مهر آن سال تعداد بسیاری از درس‌های ریاضی مدرسه را به من داده بودند، به همین علت حتی برای یک ساعت هم موفق به حضور در کلاس درس دکتر نشدم. روزی از دانش آموزانم امتحان گرفتم و خودم را با سرعت به دانشگاه و ساختمان مجتهدی رساندم تا به کلاس بروم که با کمال ناراحتی متوجه شدم نمی‌دانم کلاس کجا برگزار می‌شود. ساعتی بعد دوسه نفر از دوستان را دیدم که همین واحد را داشتند و بعد از کلاس به کتابخانه آمده بودند. با هم سلام علیک کردیم و من از حماقتم گفتم. دوستان دل‌داری ام دادند و گفتند جزوه دارند و اینکه این آخرین جلسه بوده و روز امتحان فلان تاریخ است و باید برنامه‌ای هم اجرا کنیم به جای میان ترم برای استاد ببریم.

چند روزی با دوستان در کتابخانه از صبح تا غروب با استفاده از جزوه‌های کلاس، درس‌ها را زیرورو کردیم و مسئله حل کردیم. یک پیمان کتابخانه بود و پای دیگرمان مرکز محاسبات با مین فریم‌ها و دیسک‌های رعب‌آور و کارت پانچ‌های پرسرو صدا. بعد از چندین بار مرور و اصلاح سرانجام جواب گرفتیم و درس را هم با کمک دوستان تمام کردیم و روز امتحان فرا رسید. امتحان در تالار ۶ بود. برای اولین بار دیدم که تعداد بسیاری دانشجو آن واحد را گرفته‌اند و فهمیدم فقط خودم تنبل و طرفدار ریاضی نیستم. تالار مثل واحدهای عمومی سال اول پر بود. شاید به همین دلیل دکتر مهری هم کمی عصبانی شده بود. باز فهمیدم که فقط من غایب همیشه کلاس نبودم. تقریباً ردیف آخر و نزدیک در نشستم. وقتی آخرین ورقه‌های امتحانی را دکتر به دستم داد، یک دفعه سرم داد زد تو کی هستی تا حالا ندیدمت. از ترس خودم را جمع کردم و هیچ نگفتم و شروع کردم به نوشتن. روش دکتر این طور بود که در حضور دانشجو ورقه را تصحیح می‌کرد. طبق زمان بندی فردای آن روز به دانشکده ریاضی رفتم. دم در اتاق دکتر مهری

منتظر شدم تا نوبتم شد. رفتم داخل، باز هم با ترس سلام کردم. دکتر نگاهی به من کردند و گفتند: «آهان تو بودی که اصلاً سر کلاس نیامده بودی!» بعد ادامه دادند مادر هم داری می‌شی؟ گفتیم: «دکتر ببخشید تدریس می‌کنم، زیاد نمی‌تونم پیام دانشگاه». پرسیدند چه تدریس می‌کنم و گفتیم ریاضی. سری تکان دادند و شروع به تصحیح کردند. شانسی ورقه‌ام را خوب نوشته بودم و برنامه فورترن هم جواب داده بود. سری تکان دادند و گفتند: «همینه، با اینکه کلاس نیامدی، خوب نوشتی چون معلم ریاضی هستی. نمره ات ۱۶ می‌شه، ولی ۱۴ می‌دم چون سر کلاس نیامدی». از خوشحالی تشکر کردم و پریدم بیرون.

سال‌ها بعد دخترم واحد ریاضی یک را با دکتر مهری داشت و گفت که هنوز دکتر ورقه‌ها را در حضور دانشجو تصحیح می‌کنند. این خاطره را برایش تعریف کردم و گفتم وقتی رفتی برای تصحیح ورقه‌ات به دکتر بگو: «این دومین باره با شما واحد گرفته‌ام؛ یک بار امسال، یک بار هم ۱۹ سال پیش توشکم مامانم».



نامه ۷۲ مدرس دانشگاه صنعتی شریف کار کرد، ایران برای تیم کشتی آمریکا ویزا صادر می‌کند.



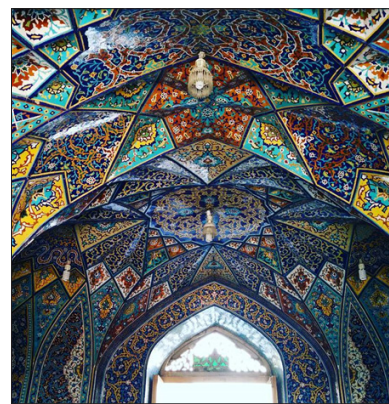
من از روزی که دیدم دانشگاه شریف برا استیو جابز خرماندر کردن اون آدم سابق نشدم.



۷۲ استاد دانشگاه صنعتی شریف از دولت خواستند تا با پرهیز از اصل عمل متقابل، به آمریکایی‌ها در فرودگاه ویزا بده؛ فنی و مهندسی‌ها سیاستمدارترین.



قطره‌ای هوافضا



عشق ازین گنبد در بسته برون تاختن است
شیشه‌ماه ز طاق فلک انداختن است
(اقبال لاهوری)
مشهد الرضا



ماه بالای سر آبادی است
اهل آبادی در خواب است
باغ همسایه چراغش روشن
من چراغم خاموش.
یاد من باشد تنها هستیم.
ماه بالای سر تنهایی است
ایبانه

تقدیم می شود به ...

این شماره از روزنامه تقدیم می شود به اطلاعاتی که نداریم و همیشه با قاطعیت در تاکسی و مهمانی و تریبون های غیررسمی آن ها را به اشتراک می گذاریم، تا مبادا کسی در این میان بدون داشتن این اطلاعات ناموثق از دنیا برود. تقدیم می کنیم به غیبت که نقل مجالس و محافل ماست و لذت نقد آن را به قیمت گران روزهای سخت پس از مرگ به جان و روح خود می خریم. این شماره را تقدیم می کنیم به آسیاب که روزی نوبت آن به ما هم خواهد رسید. تقدیم می کنیم به زبان که برنده ترین و دردسترس ترین سلاح است و اگر استفاده از آن را بلد نباشیم، خسارات زیادی را به بار خواهد آورد.

صفحه آخر



عکس و مکتب



پایان ۵۰ سال تلاش صادقانه
 یار دیرین شیمی و
 شیمی دان هارفت.

تاریخ



عمادالدین کریمیان
 و تاریخ بر وزن (بامیخ)،
 اندر لغت علم وقایع قدما
 را گویند و آن خود مشتمل
 است بر شرح احوال بلاد و
 حاکمان و سلاسل و جمیع
 اکابر که جملگی در پاسخ عبارت «که بود و چه
 کرد؟» خلاصه شود. مولانا ابوالخسرو معتضد
 الخیال باف صاحب «التواریخ فی روایة الحاکم
 من الشاهنشاهی الی الجمهوری الاسلامی»
 در رقعہ ای چنین نصیحت کند فرزندش را:
 «تاریخ را عبرت فراوان است و مدام در حال
 تکرار، پس بیاموز که نه آن ماند و نه این بماند؛
 پس شرم مجو و چشم فرو بند و تکریم کن تا در
 گذر حاکمان دوام یابی».

راحت و امن و عافیت گر طلبی درین جهان
 مدح و ثناء پیشه کن مملکت رضا طلب
 تاریخ را آثار و تألیفات نفیس وار جمند کنی است
 و من جمله تاریخ طبری و بلعمی و ویل دورانتی
 و ورزی شهره تر افتاده اند. این واپسین از هر
 حیث بدیع تر و ثمین تر است؛ چنان که نقل
 است چون خواجه عزت الدوله ضرغام المیلی،
 کاتب «خواص عصارة التارنکی موقع الخشکی
 البرتقال» دیده بر فصل «معمی الشاه» از آن
 انداخت، چشمانش از ذوق بر قید و فی الفور
 دسته چک برکشید و ثلث دخل سازمان به ورزی
 بخشید و خواند:

گزارش های بی اندازه کردی
 بدان تاریخ ما را تازه کردی
 نه گل دارد بدین تری هوایی
 نه بلبل زین نوآیین تر نوایی

معروف است که بعدها مریدی سز این توفیق
 از ورزی بخواست و وی چنین پاسخ داد:
 «آگاه باش که در مطالعه تاریخ منفعتی از برای
 مردم است و در ندانستن آن الف الف منفعت
 از برای ما».

و اما تاریخ به مقاطع مختلف قسمت شود
 که شهره ترین آن «مقطع حساس کنونی»
 است. این مقطع را خصوصیت بارز این است
 که بالکل مصلحت و عافیت جای خیر پیش
 گیرند و عجیب آنکه این مصلحت همواره به
 کام حاکمان و نه مردمان باشد و عجیب تر
 خاصیتش این باشد که مثل سیاهچاله است و
 چون در آن افتی از آن رهایی نباشد.
 بسی مشهور است میان عوام که «تاریخ تکرار
 می شود». حالی، این نصیحت حاکمان را
 کارگر نیفتد و عیش حال رجحان داده و به ثناء و
 تمجید چاپلوسان دل از کف داده و آنان را به جاه
 و منزلت رسانده و گوششان از شنیدن نصیحت
 مشفقان سنگین گشته، به مقام خویش غره
 شوند و به غایت جمال و کمال جمله افعال و
 اعمال پیشینیان تکرار نموده و سرانجام نیز به
 همان چاه فروروند.

یک وجب روغن

ذخیره اموال در پشت لایه اوزون

فردی دیگر چه... آفرین به شما که به مانند برخی
 پول هایتان را در هوا ننگه نمی دارید. اصلاً یاد هم نیاید،
 شاید برف و باران ببارد، شاید کیبوتری از آن طرف هارد
 شود و زبانمان لال روی پول ها کار خرابی کند.
 کارشناس ششم: یعنی آن «کسی» فقط پول ها را از
 «هوا» برمی دارد؟ اختلاس گران این روزها عجب
 شکم سیر و راحت طلب شده اند که فقط پول های
 روی هوا را برمی دارند و دیگر به مانند قدیم به فکر
 مدرک سازی و رانت و این طور چیزها نیستند.
 اختلاس گر هم اختلاس گرهای قدیم!
 کارشناس هفتم: آقای مدیر عامل گفته اند که اموال
 فرهنگیان روی هوا نیست و برای ما این سؤال در ذهن
 متبادر شد که نکنند پول های فرهنگیان روی زمین
 است؟ اگر این گونه است، یکی سریع تر آن ها را از روی
 زمین جمع آوری کند؛ زیرا آدم سر به زیر کم نداریم و
 آن ها خیلی زود متوجه این پول ها خواهند شد و برشان
 خواهند داشت.

فرهنگیان در هوا هستند که شما بیابید و در هوا بودن
 اموال را تکذیب کنید؟ مگر کسی اموالش را در هوا قرار
 می دهد؟
 کارشناس سوم: از ما می شنوید اموالتان را آن طرف
 سوراخ لایه اوزون ذخیره کنید. سوراخ اوزون تنگ
 است و احتمال آنکه کسی متوجه پول هایتان
 آن طرف لایه اوزون شود، بسیار اندک. جای
 مطمئنی است و عمر آن کسی متوجهش شود یا
 بخواهد آن را بردارد.
 کارشناس چهارم: پیش از این چطور؟ آیا بخشی از
 اموال در هوا بوده است...؟ یعنی الان آن هایی
 که پول ها را هاپولی می کنند، فقط پول های
 روی هوا مانده را برمی دارند؟ یعنی به پول های
 ذخیره شده در حساب ها کاری ندارند؟ یعنی خاوری
 هم آن همه پول را از روی هوا برداشته بود؟
 کارشناس پنجم: نگهداری پول در هوا؟ اگر باد
 بیاید و پول ها به صورت خیلی اتفاقی بیفتد در خانه

مدیر عامل جدید صندوق ذخیره
 فرهنگیان: «اموال فرهنگیان در هوا نیست که کسی
 آن را ببرد»
 در همین مورد برخی از کارشناسان نظراتی داشتند
 که به شرح زیر است:
 کارشناس اول: پس شاعری که پیش از این سروده
 بود: «می زنی زمین هوا می ره، نمی دونی تا کجا
 می ره» برای اموال فرهنگیان این شعر را نسوده بود؟
 خب چرا این گونه موارد را زودتر اعلام نمی کنید تا ما از
 اشتباه در بیابیم؟ در زمان کودکی، پدرمان که از قضا
 بازنشسته فرهنگی است، بارها برایمان این شعر را
 خوانده بود: «اموال فرهنگیان قلقیه، می زنی زمین
 هوا می ره...». ای کاش زودتر اطلاع می دادید تا
 بنده خدا تا وقتی که در قید حیات بود، در می یافت
 که اموال فرهنگیان نه تنها قفل نیست، بلکه در هوا
 هم نیست.
 کارشناس دوم: اصلاً چرا کسی باید فکر کند اموال

شماره های روزنامه ۰۲۱۶۶۱۶۶۰۰۶ و ۰۱۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶

اس ام اس

۰۹۱۰۰۰۶۴۷: سلام. چطور؟ داداش اوضاع مهم نی.
 مهم اینه که چار سال بعد بتونم اپلائی کنم برم. شریف
 فقط به عشق رفتن. مرسی اه.
 دوستان می گفتن کار ترامپ خوب

بوده ها. نمی دونم من چرا قبول نمی کردم!
 ۰۹۳۳۰۰۰۲۲: در مسابقات فوتسال کارکنان تیم
 پشتیبانی تیم اخلاق شد، چرانگفتید؟
 چون اون وقت بقیه می فهمیدن

و از اخلاق خوششون سوء استفاده می کردن.
 #کمی-تحقیق-ید-نیست
 ۰۹۳۵...۰۹۳۶: پیامک!
 مرسی که هستی.